



فرصتهای نهفته اشتغال

کارآفرینی و جوانان



مسعود مجید



بابک فطی



مهدی حبیب حسینی



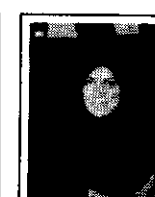
نعمت‌الله سلیمی



حمیدرضا پرادران شرکا



محمدرضا انصاری



ناهید اسگاش



فریدون آذرووش

فوق‌لیسانس مدیریت بازرگانی، مدرس دوره کارشناسی ارشد مدیریت اجراهای سازمان مدیریت صنعتی (اداره‌کننده جلسه)	کارشناس ارشد مدیریت اجراهای، رئیس کمیته نرم‌افزار انجمن شرکت‌های انفورماتیک ایران، مدیر عامل شرکت مشاورین پارس سیستم	فوق‌لیسانس جامعه‌شناسی، معاون اشتغال وزارت کار و امور اجتماعی	نارخ‌انحصیل رشته اقتصاد از دانشگاه شیراز، مدیر کل اشتغال وزارت کار و امور اجتماعی	دکترای در رشته اقتصاد از دانشگاه فلوریدای آمریکا، رئیس دانشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبایی	فوق‌لیسانس راه و ساختمان از دانشکده فنی دانشگاه تهران، رئیس هیات مدیره، انجمن مسابزکنندگان خدمات فنی - مهندسی، مدیر عامل شرکت ساختمانی کبسون	مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی و تسهیل استفاده‌ها در سازمان ابرانگردی و جهانگردی، رئیس ستاد اجرای قانون ابرانگردان و جهانگردان جوان (کاج)	دکترای مدیریت دولتی، از دانشگاه کالیفرنیا، جنوبی، دارای سوابق طولانی کارشناسی، مشاوره و مدیریت، عضو هیات علمی سازمان مدیریت صنعتی
---	---	---	--	--	--	--	--

آشاره

برنامه سوم توسعه اخیراً به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد. یکی از نکات محوری این برنامه توجه به ایجاد اشتغال و کاهش نرخ بیکاری در کشور است. بر پایه آمارهای موجود، حدود ۲۴ میلیون نفر را جمعیت فعلی کشور را جوانان بین ۱۵ تا ۳۰ سال تشکیل می‌دهند. به بیان دیگر ۴۰ درصد از ترکیب جمعیت کشور را جوانان به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین عرضه زیاد نیروی کار، رشد بیکاری، کاهش درآمدهای نفتی و مشکلات اقتصادی باعث شده است که چشم‌انداز روشنی برای انبوه متقاضیان کار در جامعه وجود نداشته باشد.

دست‌اندرکاران و کارشناسان راهکارهای گوناگونی را برای حل مشکل بیکاری که یک معضل ملی است پیشنهاد و توصیه می‌کنند. این راهکارها در مجموع در دو شکل خلاصه می‌شود: کوتاه‌مدت و درازمدت.

آنچه که در شرایط فعلی جامعه بایستی مورد مطالعه جدی کارشناسان قرار گیرد راهکارهای کوتاه‌مدت است. نظر به اهمیت و حساسیت مساله بیکاری و پیامدهای آن در جامعه، میزگرد این شماره به بحث پیرامون موضوع «فرصتهای نهفته اشتغال، کارآفرینی و جوانان» اختصاص یافته است. به همین منظور گروهی از صاحب‌نظران، مدیران و کارشناسان ضمن پذیرش دعوت تدبیر بر آن شده‌اند که موضوع را از ابعاد گوناگون با تاکید بر ارائه راهکارهای کوتاه‌مدت مورد کنکاش و بررسی قرار دهند. البته آنچه در این رهگذر بیشتر مورد توجه است کشف و استفاده از فرصتهای نهفته در اشتغال بویژه برای جوانان آینده‌ساز کشور و نیز ایجاد و توسعه روحیه کارآفرینی و تفکر خلاق است که در متحول کردن فرهنگ اشتغال در جامعه تاثیر عمده‌ای دارد. این نکته را نیز یادآور می‌شویم که به جهت اهمیت موضوع، پرسشهای مطرح شده در میزگرد به اقتراح گذاشته شده و تعدادی از کارشناسان به این اقتراح پاسخ گفته‌اند. خوانندگان تدبیر در پایان مباحث میزگرد با این پاسخها آشنا خواهند شد. علاوه بر این گزارش ویژه این شماره تدبیر به بررسی «قانون کار» اختصاص یافته که ارتباط نزدیکی با موضوع میزگرد دارد. لذا پژوهشگران می‌توانند این شماره تدبیر را به‌عنوان «ویژه‌نامه اشتغال» تلقی کرده و مورد استفاده مطالعاتی خود قرار دهند. در همین جا متذکر می‌شویم باب موضوع میزگرد این شماره به جهت اهمیت بحث گشوده خواهد بود و لذا از صاحب‌نظران درخواست می‌شود پیشنهادهای خود را پیرامون موضوع مورد بحث برای ما ارسال نمایند. آنچه در پی می‌آید حاصل گفت و شنود در میزگرد است.



مجدد: ما اخیراً در سازمان مدیریت صنعتی پدیده‌ای را با عنوان کارآفرینی در قالب چند طرح تحقیقاتی مطالعه و بررسی می‌کنیم. در این زمینه سازمانهایی مانند سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و سازمان برنامه و بودجه ما را حمایت کرده‌اند. پدیده کارآفرینی در کشور ما پدیده جدیدی است و هنوز در سطح ملی به آن پرداخته نشده است. در حال حاضر روی تعریفی که جامعه از کارآفرینی دارد مطالعه می‌کنیم و البته هنوز تعریف خیلی مشخصی از کارآفرینی برای جامعه خودمان نداریم. در مراحل مطالعاتی متوجه شدیم که در جامعه ما راههایی است که می‌توان آنها را بررسی کرد تا در کوتاه‌مدت اگر به ایجاد ثروت منجر نمی‌شود، به ایجاد شغل منجر شود.

این مشاغل بیشتر می‌تواند در زمینه‌های خدماتی که به سرمایه‌گذاری کمتری برای ایجاد شغل نیاز دارد مطرح باشد. سازمانها و موسسات و شرکتهای فعلی در کشور می‌توانند در زمینه‌های تکنولوژی اطلاعات، صدور خدمات فنی مهندسی، توسعه صنعت گردشگری و خدمات دیگر، مشاغل جدیدی را ایجاد کنند و افراد جدیدی را به کار گیرند.

محور صحبت‌های امروز نیز همین بحث است که چه نوع مشاغل جدید و فرصتهای نهفته

در جامعه وجود دارد که می‌توان به آنها پرداخت و از چه راههایی باید این فرصتها را کشف و تقویت کرد.

آذرهوش: خوشبختانه ترکیب این میزگرد از لحاظ تخصصی و شغلی طوری است که به ابعاد متفاوت این قضیه می‌توان پرداخت. آنچه که واقعاً مراد سازمان از تشکیل این میزگرد است این است که در برخورد با مسئله مدلی به مدیران و علاقه‌مندان به حل آن ارائه کنیم تا از کاربرد آن راه‌حل‌هایی به دست آید. یقیناً گفتگوهای میزگرد جانشین مطالعات کارشناسی نمی‌شود. ولی اگر شهروندان داوطلبانه درباره مسایل اجتماعی و اقتصادی جامعه خود در مجالس مختلف اعم از میزگرد و جلسات دیگر صحبت کنند، قطعاً فکرها و سرنخ راه‌حل‌هایی به دست خواهد آمد که به تدریج به حل این‌گونه مسایل کمک می‌کند. این نوع بحثها هم یکی از وجوه جامعه مدنی است که مدتی است به آن توجه شده است.

پیام ما در اینجا به خوانندگان محترم تدبیر این است که در هر موقعیتی درباره این‌گونه مسایل مهم ملی با دید سازنده بحث و گفتگو کنند. معضل بیکاری متعلق به همه مردم است و فقط به دولت مربوط نمی‌شود. آفات بیکاری به قدری زیاد است که ضرورتاً باید در این زمینه

صحبت و فکرآفرینی کرد.

دومین مساله تعریف واژه کارآفرینی است که آقای مجدد هم به آن اشاره کردند. اغلب وقتی صحبت از کارآفرینی می‌شود شغل آفرینی از آن استنباط می‌شود در صورتی که چنین برداشتی درست نیست. این واژه مفاهیم خاصی در اقتصاد توسعه و دانش مدیریت دارد و بیشتر به فرایند ایجاد کسب‌وکاری که خلاقه و خطرپذیر باشد اطلاق می‌شود. اگر دولت برای کمک به رفع بیکاری به صورت موقت یا دائم مشاغلی را ایجاد کند لزوماً به معنی کارآفرینی نیست. بنابراین مساله میزگرد دو وجه دارد: یکی اشتغال بخصوص اشتغال جوانان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهها. دوم موضوع، کسب‌وکارآفرینی با مفهومی که مطرح شد.

دیدگاه کوتاه‌مدت

بحث ما درباره اشتغال نیز از دیدگاه کوتاه‌مدت است و با مسایل بلندمدت اشتغال که در قلمرو برنامه‌ریزی اقتصادی کشور قرار می‌گیرد تفاوت دارد.

نکته دیگر اینکه در مسایل اقتصادی، اشتغال خود معلول است، یعنی باید یک نظام اقتصادی در چارچوب و مدل خاصی کار کند تا از کارکرد آن شغل ایجاد شود. اما فرصتهای کسب‌وکار و اشتغال همواره آشکار نیست. ممکن است

از اساتید مجرب در رشته‌های مختلف، اقتصاد، جامعه‌شناسی، جمعیت، آمار دعوت کنند تا درباره معضل بیکاری به‌عنوان یک پدیده گفتگو کرده و راه‌حل و برنامه ارائه کنند. خیلی از کشورها برای اشتغال خود برنامه جامعی تحت عنوان برنامه اشتغال دارند. حتی کشورهای پیشرفته به این نتیجه رسیدند که برای اشتغال باید به صورت خاصی برنامه داشته باشند.

یکی از معضلات ما در مورد اشتغال مربوط به فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در رشته‌های غیرفنی است. این گروه در زمان روتی و چه در زمان رکود بازار معمولاً مشکل دارند. برای کمک به حل این مشکل با یکی از موسسات علمی وارد مذاکره شده‌ایم و قرارداد منعقد کرده‌ایم. براساس این قرارداد، موسسه متعهد است که زمینه‌های شغلی را در داخل کشور و چند کشور خارجی بررسی و مطالعه نماید. این طرح تحقیقاتی روشن خواهد کرد که چه نوع زمینه‌های فعالیت در کشورهای دیگر وجود دارد که در کشور ما نیست تا بتوان از آن استفاده کرد. اداره کل اشتغال وزارت کار، ظرف ۵ سال گذشته در رابطه با فرهنگ مشاغل بین‌الملل، ۵۰۰۰ شغل را شناسایی کرده و امروزه این رقم به ۱۵۰۰۰ شغل رسیده است. این تعداد از مشاغل نشان می‌دهد که تنوع دادن به مشاغل در کشورهای دیگر به عنوان یک بحث جدی مطرح است. ظرف دهه گذشته حداقل عرضه نیروی کار در کشور سالیانه حدود ۳۵۰ هزار نفر بوده است که این رقم در برنامه سوم به ۷۲۰ هزار نفر افزایش می‌یابد.

نکته قابل ذکر اینکه علاوه بر جوان بودن نیروی کار، کیفیت نیروی کار هم تغییر کرده است. زمانی نیروی کار ما معمولاً کم‌سواد و فاقد مهارت بود اما امروزه در اثر رشد آموزش در مقاطع مختلف تحصیلی کیفیت جویندگان کار تغییر کرده است. همین تغییرات وظیفه دولت و مسئولان مراکز علمی کشور را در مورد اشتغال سنگین‌تر می‌کند تا جدی‌تر به مساله فکر کنند. در همین جا یادآور شوم ما از این نوع میزگردها استقبال می‌کنیم اما نباید فقط در حد چند جلسه بسنده کرد.

انتظار ما از مراکز علمی و دانشگاهها این است که به صورت علمی به مساله اشتغال بپردازند و به دولت کمک کنند به طوری که در طول برنامه سوم یک میز دایمی اشتغال داشته باشیم. وظیفه شرعی و ملی ما ایجاد می‌کند که با همکاری و مشارکت یکدیگر به یک برنامه جامع



فنی جهت خود و دیگران می‌توانند از تسهیلات قانونی استفاده نمایند معمولاً یک حالت عدم اعتماد به نفس در آنها مشاهده می‌شود. به بیان دیگر شهامت ریسک کردن را برای استفاده از مزایای قانونی و تسهیلات برای خودشان و دیگران ندارند و اغلب هم به دنبال فرصت شغلی مزدبگیری هستند.

به اعتقاد من عمده‌ترین مساله‌ای که باعث شد کشور زاپس به چنین درجه‌ای از رشد و توسعه اقتصادی برسد، تغییر در کیفیت آموزش و توجه به کیفیت نیروی انسانی است. اگر می‌خواهیم بحث کارآفرینی را در کشور جدی بگیریم باید نظام آموزشی ما به این سو هدایت شود که افرادی که فارغ‌التحصیل می‌شوند ویژگیهای کارآفرین را داشته باشند و البته خانواده هم نقش دارد، اما نقش اصلی را شاید نظام آموزشی ما بخصوص در مقاطع کارشناسی و بالاتر دارد.

در گزارشی مطالعه کردم که ایران دهمین کشور از لحاظ امکانات بالقوه است، اما از لحاظ بهره‌وری در رده چهلیم قرار دارد. به نظر من اشکال در نظام آموزشی ما است که به کیفیت افراد کمتر توجه شده است.

اما در مورد بحث بیکاری باید عرض کنم که ما کمتر شاهد بودیم که در دانشگاهها و مراکز علمی ما به این مساله به عنوان یک موضوع جدی بپردازند. درحالی که بحث اشتغال حداقل در ۴ بند رهنمودها و سیاست‌های رهبری در برنامه سوم و نیز در طرح ساماندهی اقتصادی دولت مورد تاکید قرار گرفته است.

سازمان مدیریت صنعتی به عنوان یکی از مراکز علمی و پژوهشی و مراکز آموزش عالی دیگر بخصوص دانشگاه تهران به عنوان دانشگاه مادر باید جدی‌تر در این زمینه کار کنند. این مراکز باید تحت عنوان میل دائمی اشتغال از یک سری

مقدم:

بیکاری یک معضل ملی است و لذا مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی باید برای حل مشکل با همکاری دستگاههای اجرایی راه‌حل و راهکار ارائه دهند.

فرصتهای اشتغال نهفته نیز وجود داشته باشد و اگر این فرصتها را پیدا کرده و فعال کنیم ممکن است تعداد قابل توجهی از جوانان ما را به خود جلب کند و بخشی از مشکل بیکاری را حداقل در کوتاه مدت تخفیف دهد. بنابراین در بحث اشتغال، هدف ایجاد یک تحول اساسی نیست، بلکه کشف زمینه‌هایی است که احتمالاً در آنها فرصتهای نهفته‌ای برای ایجاد شغل وجود دارد. درحال حاضر و در همین سطح تولید فعلی استنباط برخی از همکاران این است که نیاز به خدمات بیشتری داریم. برای مثال الان در بازار ایران نسبت به ۱۵ سال پیش برخی از خدمات ارائه می‌شود که تازگی دارد. از جمله امروزه سبزی خوردن شسته ضدعفونی و بسته‌بندی شده می‌توان پیدا کرد این امر نشان می‌دهد که عده‌ای در این نظام اقتصادی آنقدر مشغول هستند و درآمد دارند که به چنین خدماتی نیاز دارند. آیا از این نوع فرصتهای نهفته در اینجا و آنجا وجود دارد که تا به حال کشف نشده است؟ مسئولان دولتی، دانشگاهیان، مدیران و کارآفرینان کشور می‌توانند به کشف این فرصتهای نهفته کمک کنند؟

عجایبی: ضمن تشکر از برادران خوبان در سازمان مدیریت صنعتی و مجله تدبیر باید عرض کنم که آقای دکتر آذرهوش بحث خوبی را در دو زمینه کارآفرینی و شناخت فرصتهای نهفته به‌عنوان ایجاد اشتغال در کوتاه‌مدت مطرح کردند.

مسئولیت نظام آموزشی

اعتقاد من براین است که برای کارآفرینی باید نظام آموزشی ما به سمتی برود که نیروهای با شهامت و شجاعت در تصمیم‌گیری پرورش دهد. وقتی ما از فارغ‌التحصیلان رشته‌های صنعتی می‌خواهیم که برای اشتغال در رشته‌های

اشتغال دست پیدا کنیم تا بتوانیم ان شاء الله کشور را از این معضل نجات دهیم.

مجدد: این نکته را هم عرض کنم که باتوجه به اینکه بیکاری یک معضل ملی است، مراکز علمی و تحقیقاتی و دانشگاهی ما نباید در انتظار درخواست دستگاههای اجرایی برای انجام یک پروژه خاص باشند، بلکه باید از این حالت بیرون آمده و برای حل مشکل با تشکیل جلسات مشترک و همکاری یکدیگر، راه حل و راهکار ارائه دهند تا به یک برنامه عملی دست پیدا کنیم.

شُرکا: چون رشته من اقتصاد کلان است علاقه مند هستم چند مسئله کلان را مطرح کنم. زیرا مادامی که این مسائل حل نشود در سطح خرد موفقیت زیادی نخواهیم داشت.

طرح چند مسئله کلان

اولین نکته اینکه ما اقتصاد را همیشه باید به صورت یک سیستم نگاه کنیم. مجموعه اجزای مرتبط هدفدار را سیستم می‌گویند. پس ابتدا باید اهداف را مشخص کنیم. سپس اجزا باتوجه به این اهداف در ارتباطات منطقی و سیستماتیک قرار می‌گیرند. یکی از مهمترین سیستمها بدن انسان است که تمام اعضای آن نسبت به یکدیگر هارمونی دارند. یعنی هدف مشخص است. من اعتقاد دارم تا این لحظه بعد از گذشت ۲۰ سال اهداف اقتصادی کشورمان مشخص نیست. یک نمونه مشخص آن طرح ساماندهی اقتصادی است. بنده به عنوان یک فرد دانشگاهی اطلاع ندارم که این طرح به کجا انجامیده است، البته نظر خودم این است که اصلاً قابل پیاده شدن نیست.

نکته دیگر بحث تعادل عمومی است. در اقتصاد کلان همیشه ما دنبال تعادل عمومی هستیم. اگر تمام بازارهای جزئی به تعادل برسند ما را به تعادل عمومی می‌رسانند. به اعتقاد من همه بازارها باید به تعادل برسند تا ما یک تعادل عمومی در جامعه مان داشته باشیم. مشخصه کشورهای پیشرفته این است که وضعیت تعادل عمومی در آن کشورها وجود دارد. بنده می‌توانم ادها کنم که تا این لحظه کسی وضعیت تعادل عمومی کشور ما را مطالعه نکرده که ببیند مثلاً بازار کار ما در چه زمانی به تعادل می‌رسد.

نکته بعدی اهمیت مسئله بیکاری است. بنده ادعا می‌کنم برای مسئولان و جامعه اهمیت مسئله بیکاری تا این لحظه بطور کامل مشخص



آذرهوش:

یکی از خلاه‌ها در کشور ما کمبود تفکر خلاق است. ما باید در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهها رهبت ایجاد کنیم که به تفکر خلاق بپردازند.

نشده است. مسئله بیکاری جزو معدود مسائلی است که ابعاد و اثرات مختلفی دارد. بیکاری فقط اثر اقتصادی ندارد، بلکه تبعات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز دارد. تلاش کشورهای مختلف در این است که نرخ بیکاری را پایین بیاورند و یکی از دلایل مهم آن این است که آثار منفی سیاسی بیکاری را کاهش دهند. در کشورهایی که ابعاد مختلف بیکاری به خوبی نشان داده شده است، تمام تلاش آنها این بوده است که این مشکل را به حداقل ممکن کاهش دهند. ما هنوز اهمیت این مسئله را درک نکرده‌ایم. عرض من این است که اگر مساله بیکاری مهم بود، همه ما از جمله همین دوستان حاضر، وقت زیادی را برای تشکیل چنین میزگردها و جلساتی اختصاص می‌دادیم. حقیقه من این است که با این نرخ بیکاری که داریم ما از مرحله رکود خارج شده و دقیقاً وارد مرحله بحران شده‌ایم. حالا آیا این مجموعه تلاشها برای حل این بحران کافی است؟ به اعتقاد من کافی نیست.

در مورد مساله کارآفرینی که آقای دکتر آذرهوش اشاره فرمودند باید بگویم که شومپیتر از افرادی است که مهمترین تحقیقات را در این زمینه انجام داده و می‌گوید مهمترین عامل توسعه اقتصادی همین مسئله کارآفرینی است. کارآفرین تعریف خیلی گسترده‌ای دارد. کارآفرین مدیر، صاحب سرمایه و صاحب فکر است و خلاقیت، ابتکار و ریسک‌پذیری زیادی دارد. معمولاً در کشورهای دنیا هم تعداد این‌گونه افراد زیاد نیست. ما در کشور خودمان افرادی را داریم که توانستند از فرصتهای طلایی به خوبی استفاده کنند و در مدت کوتاهی سازمان خود را گسترش دهند، به این عده واژه کارآفرین اطلاق می‌گردد. زیرا هم اشتغال ایجاد کرده و هم سرمایه‌گذاری کردند. متأسفانه هنوز در کشورمان روی این

قضیه به یک وضعیت متعادلی نرسیده‌ایم. و یک سرمایه‌دار موفق، فرد مطلوبی برای مردم نیست. باید از طریق کار فرهنگی، افرادی که در کار اقتصادی موفق بوده‌اند در جامعه مورد تشویق و ترغیب قرار گیرند.

اما در مورد مساله بیکاری باید عرض کنم طبیعتاً در کوتاه‌مدت ما بایستی از ظرفیت‌های موجودمان استفاده کنیم ولی در درازمدت امکان سرمایه‌گذاری و گسترش ظرفیت وجود دارد. سرمایه‌گذاری باید در دو بخش انسانی و فیزیکی صورت بگیرد. متأسفانه در کشور ما بیشتر روی سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی تاکید می‌شود و سرمایه‌گذاری انسانی هلی‌رغم اهمیت خود در جامعه مورد توجه قرار نگرفته است. کشورهایی که حداقل در ۳۰ سال اخیر توانستند خیلی سریع مراحل پیشرفت را طی کنند کشورهایی بودند که میزان سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی آنها بسیار بالا بود. براساس مطالعه شخصی خودم تاثیر سرمایه‌های انسانی یازده برابر تاثیر سرمایه‌های فیزیکی بوده است و تجربه کشورهای آسیای جنوب شرقی مؤید این مطلب است.

نکته دیگر اینکه وقتی که صحبت از تولید می‌کنیم فقط تولید کالا مطرح نیست. اساساً تولید ناخالص ملی یعنی تولید کالا و خدمات. اصولاً خدمت یک نوع تولید است و نباید تفکیک بین این دو صورت گیرد. بخش خدمات می‌تواند بخصوص در شرایطی مانند شرایط کشور ما که با مساله بیکاری روبرو هستیم به اشتغال کمک کند. در بحث تورسم خوشبختانه ما از کالاهایی برخوردار هستیم که از انحصار طبیعی در دنیا برخوردار است. در صنعت اتومبیل‌سازی بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ کمپانی بزرگ رقیب ما هستند، ولی برای مثال تخت جمشید یک اثر انحصاری و منحصر به فرد است و هیچ کس هم نمی‌تواند با ما در این زمینه رقابت کند. متأسفانه با اینکه جزو

ایرانگردی و جهانگردی شاید تنها صنعتی است که ادها دارد یکی از صنایع قوی جایگزین صنعت نفت است و با ایجاد اشتغال که با حفظ ارزشهای فرهنگی و اسلامی جامعه در این حوزه ایجاد می‌شود قادر خواهیم بود که به طرف ارتقای سطح بهداشت ملی حرکت کنیم.

انصاری: صحبت‌های آقای دکتر شرکا از جهتی بسیار آموزنده است و آن اینکه هیچ پاره‌ای را جدا نمی‌توان دید و بایستی مجموعه را به شکل یک سیستم مورد توجه قرار داد. هر اقدام کوتاه‌مدتی را بایستی عنصری از مجموعه عناصر در زمان تصور کرد و اگر جایگاه آن در درازمدت تعریف شد در آن صورت درست است، وگرنه ممکن است در آینده تنها فضایی ایجاد کند درمورد فرصتهای نهفته در اشتغال باید بگویم که ما این‌گونه فرصتها را نه فقط در کوتاه‌مدت بلکه در درازمدت هم داریم و به صورت بالقوه شانس توسعه در مملکت بسیار بالا است.

مدیریت منابع انسانی

خوشبختانه ما از نعمات خداداد خوبی برخورداریم. اما در این میان مهمتر از همه انسان است، یعنی این که کشورها به اتکای منابع انسانی از جای خود بلند شدند و قد علم کردند و توسعه را بر همان اساس بنا نهادند. روی این پدیده در تاریخ گذشته کشور ما خطای اساسی تاریخی شده است، یعنی تکیه بیش از اندازه به منابع طبیعی و فراموش کردن انسان به عنوان بالاترین ثروت. عدد و رقم نشان می‌دهد که انسان ایرانی به دلیل داشتن تخصص، مهارت، توانایی و هوشمندی دارای ظرفیت‌های بالایی در عرصه جهانی است. مساله انسانی فقط این نیست که تخصص‌ها را پرورش دهیم، مسئله‌ای که ما در مملکت نیاز داریم مدیریت منابع انسانی است. باید منابع انسانی را در سازمان‌هایی گردهم جمع کرده و به‌درستی مدیریت کنیم تا میزان بهره‌وری در منابع اقتصادی‌مان افزایش یابد. براساس گزارشهای سازمان برنامه‌بودجه، ما در زمینه کار مهندسی پیمانکاری حدود ۷۰ درصد ظرفیت آزاد داریم. همچنین ۸۰ درصد ظرفیت مهندسیین مشاور ما بیکار است. این رقمها هشداردهنده است و معنی آن این است که فرصتها در کنار دست ما قرار دارد و نباید دنبال راههای دور برویم. ما از لحاظ منابع پولی هم مسئله عمده‌ای نداریم. در کشور ما حدود ۱۴ هزار میلیارد تومان نقدینگی رایج وجود دارد. کنار هم گذاشتن این پولها با عنصر اصلی یعنی



به بازار کار هستند و باید نسبت به این مسئله به صورت جدی چاره‌اندیشی شود. تصور می‌کنم که مدیران اجرایی جامعه گرفتار بحران هستند و باید برای مدیریت بحران برنامه‌ریزی استراتژیک کنند. متأسفانه جامعه هنوز به این فکر نیفتاده است که به اصلی‌ترین نیاز جوانها که گروه‌گرایی و تشکل‌گرایی است پاسخ دهد و زمینه‌ای فراهم کند که جوانها از بی‌برنامگی خارج شوند. یکی از سیاستهای دولت این است که کاهش حجم تصدی دولت انجام شود و بخش اجرایی بیشتر به مراکز تعاونی و خصوصی واگذار شود. جوانهای ما در راستای سیاست دولت که خصوصی‌سازی است حقیقتاً تعاونی‌ها را باور ندارند. اگر تشکل‌های کوچک به هم بپیوندند بخصوص اگر آرمان آنها را نیروی انسانی آموزش‌دیده و سازمان‌یافته و کیفی تشکیل دهد قطعاً انقلابی در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه اتفاق خواهد افتاد. متأسفانه بین عرضه و تقاضا تعادل وجود ندارد. فارغ‌التحصیلان ما وقتی وارد عرصه فعالیت می‌شوند مشاهده می‌کنند بین آنچه که آموخته‌اند و آنچه که جامعه تقاضا می‌کند تعادلی نیست. جوانان برای اینکه وارد بازارهای کار شوند به اطلاعات کاربردی و مهارتهای فنی احتیاج دارند.

اهمیت ایرانگردی و جهانگردی

سازمان ایرانگردی و جهانگردی به‌عنوان یک سازمان اجتماعی مجری کار فرهنگ گردشگری و توسعه این فرهنگ در جامعه است و بایستی زمینه استفاده از این فرصتها را بخصوص برای جوانان فراهم کند. در حال حاضر حدود ۸۰۰ عنوان شغل در بخش جهانگردی فعال است. درمورد فرصتهای نهفته برای ایجاد اشتغال موقت و یا بلندمدت در حوزه سازمان ایرانگردی و جهانگردی باید اشاره کنم که خوشبختانه چنین فرصتهایی در این حوزه وجود دارد. صنعت

عجایی:

اداره کل اشتغال وزارت کار ظرف ۵ سال گذشته پنجمین شغل را شناسایی کرده و امروزه این رقم به پانزده هزار شغل رسیده است

ده کشور اول دنیا از لحاظ آثار تاریخی و جهانگردی هستیم ولی در این زمینه درآمد ما بسیار پایین است. برپایه آمار، ترکیه از محل صدور خدمات و توریسم سالانه ۱۰ تا ۱۲ میلیارد دلار درآمد دارد.

در زمینه‌هایی مانند تکنولوژی‌های کاربر و صنایع بسته‌بندی باید تلاش و سرمایه‌گذاری بیشتری صورت گیرد. سرمایه‌گذاری باید ارزش افزوده داشته باشد. یکی از مهمترین ارزش‌افزوده برای کالاهای کشاورزی بسته‌بندی است که متأسفانه در این زمینه کار چندانی صورت نگرفته است. در صورتی که در قالب تعاونی‌های کوچک هم می‌توان این کار را انجام داد. بسترسازی برای سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال مساله مهمی است. به اعتقاد من اگر قوانین، مقررات، اعتبارات و تسهیلات اقتصادی و قضایی فراهم شود ما به راحتی می‌توانیم در موسسات متوسط و کوچک که جنبه‌های کارآفرینی یا در بعد اشتغال دارند موفق باشیم. هرچه موسسات کوچکتر باشند میزان خطرپذیری آنها کمتر است و لذا باید بیشتر مورد حمایت قرار گیرند، ضمن اینکه اشتغال‌آفرینی بالایی هم دارند.

اسکاش: اشاره شد که بحث در دو محور پیاده شود ابتدا طرح مسئله و مرحله بعد ارائه راهکارها بخصوص راهکارهای کاربردی و اجرایی. در بحث طرح مسئله، باید گفت که ایران به جایی رسیده است که می‌بایست اتکای خود را از صادرات تک‌محصولی برداشته و به دیگر صادرات از جمله صادرات خدمات و دیگر کالاهای فرهنگی در بخش صنعت ایرانگردی و جهانگردی اتکا پیدا کند. مسئله این است که مشارکت جوانان در عرصه فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی نهادینه نشده و به صورت جدی با آن برخورد نشده است. میلیونها جوان منتظر ورود



شرکت:
به تهیه من با نرخ بیگاری فعلی، ما از
مرحله رگوه خارج شده و دقیقاً وارد مرحله
بحران شده‌ایم.

است.

مجموع: دور اول بحث بیشتر در زمینه کلیات بود و اگر بخواهیم جمع‌بندی مختصری داشته باشیم باید گفت که هیئت حضور غول‌آسای دولت را در همه جا داریم و وزن دولت را نمی‌توان در امور نادیده گرفت. رفتار دولت را برای انجام امور می‌توان به سه قسمت تقسیم کرد: یک قسمت ایجاد تسهیلات قانونی است مانند معافیت‌های مالیاتی. قسمت دیگر، اقدامات مالی است. بعضی وقتها دولت نمی‌خواهد هزینه کند. و فقط چند تبصره را جابه‌جا می‌کند و همین امر می‌تواند محرک ایجاد یک سری موسسات و تشکله باشد. همه دولت‌ها باید تسهیلات مالی ایجاد کنند. دولت به جای کمک به ایجاد زمینه اشتغال در کشور، شغل ایجاد می‌کند که این خود درگیری بیشتری در تصدی و اجرا را به دنبال دارد.

محمور دیگر این است که دولت باید تسهیلات زیربنایی ایجاد کند. اگر کشور دارای بندر، فرودگاه، جاده، مخابرات، ارتباطات و هتل‌های خوب و پیشرفته باشد، قطعاً صنعت توریسم رونق پیدا خواهد کرد و مشاغل جدیدی ایجاد خواهد شد. در حال به گفته آقای انصاری ما مجموعه‌ای از امکانات داریم ولی فاقد انسجام است. برای مثال ویژگی خاصی به نام مدیریت لازم است تا امکانات را مستجم کرده و بهره‌وری درستی از آنها انجام دهد. این دقیقاً همان بحثی است که ما در این میزگرد دنبال می‌کنیم، یعنی ما می‌توانیم راجع به دولت، اقتصاد و مسایل کلان دیگر صحبت کنیم. ما می‌خواهیم بگویم در شرایط فعلی چه شغل‌هایی را می‌توان در سازمانها ایجاد و نیروی جدید جذب کرد تا به این طریق ضریب بهره‌وری از همین امکانات خالی که اشاره شد افزایش یابد.

مرحله بحران شدید. در مرحله مدیریت بحران دو کار بایستی انجام داد: حل معضلات فعلی و برنامه‌ریزی درازمدت برای آینده.

صنعت نرم‌افزار

یکی از خدمات پرارزشی که امروزه در دنیا مطرح است تکنولوژی اطلاعات است و شاید مهمترین آن در کشور ما، بحث نرم‌افزار باشد، زیرا هم یک فن‌آوری کاربر است و نیاز به سرمایه به‌طور نسبی در آن کم است و هم نرخ رشد بالایی دارد. طبق آمار رشد آن در دنیا حدود ۱۶/۷ درصد است که رشد بسیار بالایی است. پیشنهاد من برای کار کوتاه‌مدت با توجه به برآوردی که به‌طور متوسط از نرخ سرمایه‌گذاری در ایجاد یک شغل در صنایع دارم که ۵۰ میلیون تومان می‌باشد و این نرخ در بخش نرم‌افزار حداکثر از چهار میلیون تومان بیشتر نیست، توجه به صنعت نرم‌افزار است. حسن دیگر این توجه، امکان اشتغال افراد دیپلمه است. چرا که زمینه آموزش این افراد در شرکتها هم وجود دارد و می‌توانند اغلب به برنامه‌نویس تبدیل شوند. به همین جهت نیاز به آموزشگاه برای آموزش افراد نیست و شرکتها وقتی بازار برای کارشان وجود داشته باشد می‌توانند آموزشهای لازم را انجام دهند. ممکن است در حوزه صدور خدمات فنی مهندسی در منطقه دارای رقیب باشیم، ولی در صنعت نرم‌افزار تقریباً رقیبی نداریم.

حسن دیگر سرمایه‌گذاری در صنعت نرم‌افزار برای ایجاد اشتغال این است که چون راهکار توسعه اقتصادی آینده پرمبنا می‌باشد فن‌آوری اطلاعات خواهد بود، در واقع اگر در این زمینه سرمایه‌گذاری کردیم ائتلاف منابعی صورت گرفته است. بنابراین به اعتقاد من یکی از راههای تسریع رشد ایجاد اشتغال حمایت از توسعه صنعت نرم‌افزار است، بخصوص که میزان سرمایه‌گذاری مورد نیاز در این حوزه بسیار پایین

منابع انسانی و سازمان دادن اینها از طریق شیوه‌های مدرن مساله مهمی است.

ما در تمام سطوح ضعف مدیریت داریم از دولت گرفته تا سازمانهای دولتی و بخش خصوصی.

در تعریف کارآفرینی گفته شد که بایستی صفات خلاقیت و خطریذیری و ابتکار را در درون خود داشته باشد. مدیریت‌های بخش خصوصی این صفات را دارند و طبیعتاً به تناسب خلاقیت و ابتکارشان هم شانس گسترش و توسعه کارشان را پیدا می‌کنند. قطعاً کسی که خلاقیت ندارد شانس رشد و بقا هم ندارد. مسئله اشتغال را نمی‌توان از مسئله مدیریت جدا کرد. طبیعی است که اگر دولت به جای حمایت از دستگاههای دولتی و شبه‌دولتی به تشویق و حمایت مدیران بخش خصوصی بپردازد نه تنها بار کمتری به دوش دولت گذاشته خواهد شد، بلکه اشتغال هم ایجاد می‌شود.

ما در حال حاضر سالانه حدود ۷ میلیارد دلار ظرفیت صدور خدمات فنی مهندسی در کشور داریم، در حالی که در ترکیه که مشابه کشور ما است این رقم نزدیک به ۱۲ میلیارد دلار است. طبیعت منابع انسانی به گونه‌ای است که با بهره‌برداری افزایش پیدا می‌کند و از این لحاظ با سایر منابع تفاوت اساسی دارد. از سال ۱۳۷۳ که صدور خدمات فنی مهندسی به تصویب رسیده و شروع شده است تاکنون حدود ۹۰۰ میلیون دلار قرارداد برون‌مرزی در این زمینه به امضا رسیده است. از این رقم متأسفانه حدود ۲۰۰ میلیون دلار مربوط به بخش خصوصی است و بقیه متعلق به بنیادها و مراکز دولتی است که این خود مانع رشد صدور خدمات فنی مهندسی است. اگر مساله اشتغال مطرح است باید به این مساله توجه کافی شود. ما باید شیوه‌هایی را که در کشورهای نظیر ترکیه، و کره جنوبی عمل شد اجرا کنیم. اگر دولت ۱۰ درصد از سرمایه‌گذاری‌ها را صرف تشویق بخش خصوصی کند و سپس محیط امنی را برای سرمایه‌گذاری به وجود آورد، قطعاً فرصت‌های اشتغال در کشور افزایش خواهد یافت.

قطعی: در صحبت‌های دوستان به راه‌حل‌های کوتاه‌مدت و درازمدت اشاره شد. در مباحث مربوط به راه‌حل‌های درازمدت موضوعاتی نظیر آموزش و سرمایه‌گذاری‌های کلان مطرح است که همه با آن لاف از لحاظ تئوری آشنا هستیم. آقای دکتر شرکا به درستی گفتند که ما الان وارد

کارآفرینی در کشور ما سابقه قبلی دارد. لازمه اینکه ما در زمینه کارآفرینی و خوداشتغالی موفق شویم داشتن خلاقیت و نوآوری است. متأسفانه سیستم آموزشی ما برای پشت میزنشینی نیرو تربیت می‌کنند و ذهنیت فارغ‌التحصیلان که در قالب اشتغال دولتی تبلور پیدا کرده است. بسیاری از مراجعان ما همین فارغ‌التحصیلانی هستند که تمایلی به انجام کارها ندارند چون آماده برای کارآفرینی و فعالیت در این زمینه‌ها نیستند، بلکه دنبال اشتغال در بخش مزدبگیری هستند. بنابراین لازم است که بخش آموزش کلاسیک با آموزش عملی تلفیق شود.

در صحبت‌ها اشاره به سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی شد. براساس آمار، میزان سرمایه‌گذاری نیروی انسانی ما ۲۴٪ است و این رقم نسبت به سرمایه‌گذاری در بخش فیزیکی پایین است. حال آنکه سرمایه‌گذاری برخی از کشورهای آسیای جنوب شرقی در زمینه نیروی انسانی ۹۰ درصد و در مسایل فیزیکی ۱۰ درصد است. بنابراین من فکر می‌کنم که چاره‌ای نیست که در آینده، کارآفرینی و خوداشتغالی در بخش غیرمزدبگیری (دولتی یا خصوصی) به‌عنوان راه‌حلی برای حل مشکل بیکاری کشور مطرح شود.

در زمینه صدور خدمات فنی مهندسی که در قالب برنامه دوم آمده است و آقای مهندس انصاری به آن اشاره کردند اعتقاد دارم که عامل مهمتر در زمینه موفقیت صادرات ما فراهم کردن بستر مناسبات سیاسی و اقتصادی با کشورها است. بحث این است که اگر بستر سیاسی را برای حل مشکل مناسبات سیاسی با کشورها فراهم نکنیم، فکر نمی‌کنم به صرف اینکه توانایی صدور خدمات فنی مهندسی داریم موفق شویم. در مورد موافقت اصولی و پروانه‌های بهره‌برداری که وزارت صنایع در سالهای ۷۵-۷۷ منتشر کرده است باید بگویم میانگین سرمایه‌گذاری‌های ثابت و سرانه اشتغال حتی به ۱۰ میلیون تومان هم نمی‌رسد.

انصاری: لازم می‌دانم توضیح کوتاهی را در مورد صدور خدمات فنی مهندسی بیان کنم. ما حدود ۵۰ شرکت ساختمانی داریم که در شرایط حاضر، آماده صدور خدمات فنی مهندسی هستند. تجربه چند سال گذشته ما هم نشان داده است شرکت‌هایی که برای اولین بار جهت اجرای کار در کشورها حضور پیدا کردند موفق بودند



مشاغل فرصتهای نهفته‌ای است که باید به دنبال آنها بود.

خواهش من از دوستان این است که در دور دوم بحث، اگر در این زمینه پیشنهادهایی دارند طرح کنند تا به عنوان محرک فکری، مدیران شرکتها و صنایع را تشویق کند که در نمودار سازمانی خود درجهت ایجاد مشاغل جدید تجدیدنظر کنند.

سلیمی: اصطلاحات کارآفرینی و خوداشتغالی واژه‌هایی است که قدمت آنجانی در فرهنگ اشتغال در کشور ندارند. در گذشته مفهوم اشتغال در قالب برنامه‌های کلان اقتصادی مفهوم پیدا می‌کرد. در واقع راه‌حل مشکل بیکاری کشور در قالب برنامه‌های اقتصاد کلان جستجو می‌شد و به این ترتیب بین رشد اقتصادی و اشتغال ارتباط وجود داشت.

اقتصاد خرد

طرحهای اشتغال‌های زودبازده و کارهای پاره‌وقت موقتی مطرح شد که تجربه کردند که رشد و اشتغال در قالب منحنی ارکان اعتبارش را از دست داده است. مثلاً در کشور آلمان رشد خوبی وجود داشت ولی همزمان با آن کاهش آن چنانی در بیکاری حاصل نشد. علت این مسئله مهم عمدتاً ناشی از تغییر ساختار جمعیت آنها از لحاظ تخصص، مهارت و تغییرات تکنولوژی بود. به عبارتی اگر ۳ درصد رشد وجود داشت ناشی از افزایش بهره‌وری نیروی کار و یا بهره‌وری تکنولوژی بود. بنابراین به جای اقتصاد کلان به‌عنوان پاسخگوی حل مشکل بیکاری کشور به اقتصاد خرد روی آوردند.

به این ترتیب برای حل مشکل بیکاری در کنار برنامه‌های کلان مملکت باید از طریق اقتصاد خرد اقدام به ایجاد شرکت‌های کوچک و خوداشتغالی کرد. البته مسئله خوداشتغالی

اسکاش:

صنعت ایرانگردی و جهانگردی شاید تنها صنعتی است که ادعا دارد یکی از صنایع قوی جایگزین نفت است و در حال حاضر حدود ۸۰۰ عنوان شغلی در بخش جهانگردی در کشور فعال است.

مشکل فقط عدم حمایت مالی دولت و یا قوانین مزاحم نیست. بالاخره مهارتها و تخصص‌هایی هم باید در سازمانها وجود داشته باشد تا بقای سازمان را مستقر کند و بتوان از فرصتها استفاده کرد. برای مثال اگر ما برای صدور خدمات فنی مهندسی احتیاج به بازاریاب داشته باشیم اولاً باید زبان و مهارتهای بازاریابی را بدانند و آگاه باشند. علاوه بر این هر سفر بازاریاب به خارج بیش از یک میلیون تومان هزینه دربردارد. اگر بتوان همین شغل را تبدیل به فعالیت اینترنتی کرد، قطعاً نیاز به کارشناسی دارد که بتواند با اینترنت ارتباط برقرار کند. این یک تخصص و مهارت است که یک شرکت صادرکننده خدمات فنی مهندسی می‌تواند در سازمان خود برای آن جا باز کند. بنابراین اگر ما در این جلسه به نتیجه برسیم که می‌توانیم ۵ شغل مسئول بازاریابی از طریق اینترنت برای صدور خدمات فنی مهندسی تنها در ۵ شرکت اول شرکت‌های صادرکننده خدمات فنی مهندسی ایجاد کنیم به گفته آقای قطبی ۵ تا ۵۰ میلیون تومان برای دولت صرفه‌جویی کردیم. همان‌طور که آقای دکتر آذرهوش فرمودند در حال حاضر فرصت‌های پنهان زیاد است. چندی پیش به مسئول سازمان ایرانگردی و جهانگردی عرض کردم که شما هتل‌دارها را در ایران وادار کنید که مدیر هتلی داشته باشند که دارای مدرک باشد در آن صورت هم شغل ایجاد می‌شود و هم سطح کیفی هتلها و بعد آموزشی هتلداری افزایش و توسعه می‌یابد.

بنابراین ما دنبال این فرصتها هستیم، یعنی مجموعه اقدامات غیرمالی که با ایجاد روش و تغییر تبصره و پیشنهاد اصلاح یک ماده قانونی می‌توان شغل ایجاد کرد. مثال دیگر آموزش حرفه‌ای مدیریت مشاوره‌ای تخصصی است که ما در مملکت نداریم و پیمانکارها و مشاوره‌های ما کمتر آموزشهای خاص دیده‌اند. این‌گونه



انصاری:

مسئله اساسی فقط پرورش تخصصی‌ها نیست، مسئله مورد نیاز در مملکت مدیریت منابع انسانی است.

تقویت این مساله نیاز به بستر سازی و اعتبارات، تسهیلات و حمایت‌های دولت دارد.

بر اساس مطالعه‌ای که من انجام دادم این نتیجه حاصل شد که از زمانی که بحث خصوصی سازی در کشور بالا گرفت و شدت یافت، دولت روزبه روز بزرگتر شد. بر اساس آمار، ۸۵ درصد از فعالیت‌هایی که دولت و شرکتهای دولتی و نهادها انجام می‌دهند ارتباطی به قانون اساسی و محدودیت اصل ۴۴ ندارد. این‌گونه فعالیت‌ها کاملاً هادی و قانونی است و طبق قانون اساسی می‌توان به بخش خصوصی واگذار کرد.

آخرین نکته در مورد صحبتی است که دوستان دریاب خردکلان اشاره فرمودند. این مورد را بنده از باب متغیرهای درون‌زا و برون‌زا عرض کردم. بسیاری از متغیرها در سیاست برای بخش خصوصی و یا بخش خرد جنبه برون‌زا دارد و در این‌سبب است که دولت در اجرای سیاست‌های درست می‌تواند بخش خرد یا خصوصی را تشویق و فعال و بزرگ کند تا بتواند به‌عنوان مثال فرصت‌های اشتغال را در جامعه فراهم نماید. نتیجه اینکه اگر ما از سیاست‌های کلان غافل شویم بدیهی است بخش خرد ما نمی‌تواند آن‌چنان مفید واقع شود.

سلیمی: باید عرض کنم با توجه به تجربیاتی که از خصوصی سازی در چند سال گذشته داشتیم عمدتاً شرکتهای مشکل دار، شرکتهای واگذار شده هستند. حال تصور کنید آیا در این مرحله گذار، دولت باید ساکن‌دار باشد، یا خصوصی سازی را باید تشدید کنیم. مطلب دیگر اینکه تجربیات کشورهای که در مرحله گذار بودند، نشان می‌دهد که این کشورها خصوصی سازی را در آن زمان شروع نکردند. اخیراً در مجمع عمومی یکی از مجتمع‌های بزرگ سرمایه‌گذاری کشور بودم و بحث مدیران مجتمع این بود که

سودآورترین فعالیتها را انجام می‌دهند. اما در بخش خصوصی اگر زمینه فراهم باشد، قطعاً این بخش انگیزه سودآوری خواهد داشت. چنانچه از بخش خصوصی حمایت شود و ریسک پایین و سودآوری بالا داشته باشد بی‌تردید این بخش تقویت خواهد شد. چرا این پدیده در کشور ما به وجود نیامده است، برای اینکه به‌طور واقعی حمایتها انجام نشده است.

نکته‌ای را عرض کنم. ما در کشورمان دنبال جذب سرمایه‌های خارجی هستیم و این کار خوبی است. در حال حاضر کشورهای زیادی هستند که حاضرند در کشور ما سرمایه‌گذاری کنند. ما اگر بتوانیم در این راستا انتقال تکنولوژی دهیم کار شایسته‌ای است. ولی یک پدیده مهم دیگر یعنی خروج سرمایه را نباید فراموش کنیم. آمارها می‌گویند نسبت پس‌انداز ما به تولید ناخالص ملی رقمی حدود ۳۰ درصد است. نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص ملی ۱۵ درصد است. اگر تولید ناخالص ملی را حدود یکصد میلیارد دلار در نظر بگیریم، مفهوم آن این است که ۱۵ میلیارد دلار از پس‌اندازها جذب سرمایه‌گذاری نمی‌شود. من فکر می‌کنم ما باید یکبار و برای همیشه بخش خصوصی سالم را تعریف کنیم و بگوییم اگر سرمایه‌گذاری طبق احکام اسلامی و قانون و مقررات دست به فعالیت اقتصادی بزند فرد محترمی است و باید به او احترام گذاشت. همین فرد اگر کارخانه‌اش را دوتا کرد باید به‌عنوان کارخانه‌دار شایسته به او جایزه داد تا معلوم شود اگر در جامعه ما کسی تلاش می‌کند و کار سالم انجام می‌دهد از حمایت‌های منطقی، اصولی و سالم دولت برخوردار است. همه مطالعات نشانگر این است که شاید ما نتوانیم در کشورمان در بخش‌های عمومی و بزرگ فعالیت کنیم، حداقل در شرایط فعلی در بخش‌های کوچک و متوسط می‌توانیم فعالیت داشته باشیم. بدیهی است راه‌اندازی و

به‌طوری که بعضی از آنها جایزه و نشان دریافت کردند. ما نسبت به کشورهای همسایه نظیر ترکیه در کارهای ساختمانی و راه‌سازی مزیت نسبی قوی‌تری داریم. لذا اگر این امکان را داشته باشیم که بتوانیم در مناقصات این کشورها شرکت کنیم شانس برنده شدن داریم.

مشکل ما مشکل خیلی کوچکی است. مشکل شرکتهای ما در حد این است که مثلاً برای چند سفر فرستادن نمایندگان خود به کشورها و خریدن اسناد مناقصه در حد ۴۰ هزار دلار هزینه کنند. بنابراین اگر ۵۰ میلیون دلار اعتبار برای صادرکنندگان خدمات فنی مهندسی در نظر گرفته شود می‌توان توقع داشت که در سال اول حدود یک میلیارد دلار ارز حاصل کرد که در سالهای بعد هم به صورت تصاعدی افزایش یابد.

مشکل دوم، در زمان دوره تجهیز بعد از برنده شدن در مناقصه است. شرکتهای برنده به منابع و اعتبارات بانکی خود متکی هستند. شرکتهای پس از تجهیز شدن، در دوران پروژه اعتبارات دریافتی را به بانکها برمی‌گردانند و این در کشور ما وجود ندارد و این یک نقطه ضعف اساسی است.

مسئله سوم هزینه‌هاست. در ایران

معاینات‌های مالیاتی برای صدور خدمات فنی و مهندسی نظیر ترکیه وجود ندارد. همه این عوامل باعث می‌شود که مزیت‌های نسبی ما تضعیف شود و در نتیجه نتوانیم به خوبی در زمینه صدور خدمات فنی و مهندسی با کشورها رقابت کنیم.

شوکا: به نظر من دولت باید فرصتها را ایجاد کند و بخش خصوصی برای دولت فرصت ایجاد نمی‌کند، بلکه فقط می‌تواند به اهداف دولت کمک کند. اگر دولت بپذیرد که بیکاری، مشکل حادی است، قطعاً رفع این مشکل در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر است. بانک جهانی برای اولین بار چرخش عمده‌ای در نقش دولت ایجاد کرده است. گزارش توسعه اقتصادی این بانک در سال ۹۷ حاکی است که اگر دولتی کاراً، قانونگرا و اقتدارگرا باشد می‌تواند مهمترین عامل توسعه اقتصادی کشورها محسوب شود. در همین ارتباط اعتقاد دارم که دولت باید فعالیت‌هایی را انجام دهد که بخش خصوصی برای انجام آنها انگیزه نداشته باشد مانند سرمایه‌گذاری در بخش آموزش و تحقیق و توسعه، چون بخش خصوصی برای انجام آنها انگیزه ندارد.

در حال حاضر در کشور بعضی از شرکتهای وابسته به دولت حتی در بخش خدمات

آموزشها تا عالی‌ترین سطوح جهانگردی ادامه می‌یابد. از این قابلیتها در بخش دیگر در قالب تشکلهای و تعاونی‌ها استفاده می‌کنیم.

برای کلیه جوانهای ما در شبکه‌های مختلف برنامه‌ریزی شده و این شبکه‌های برنامه‌ریزی شده شبکه عضویت کاج است که عضویت در آنها به صورت عضویت درجه ۲، درجه ۱، ممتاز و عضویت افتخاری است و به نسبت اطلاعات و آزمون‌هایی که از راه دور از آنها گرفته می‌شود ارتقای عضویت پیدا می‌کنند. به همین نسبت اعضا از نوعی تسهیلات در بخش جهانگردی برخوردار خواهند شد. اعضای افتخاری این طرح اندیشمندان، برنامه‌ریزان و دانشگاهیان هستند و به اجرای این طرح کمک می‌کنند.

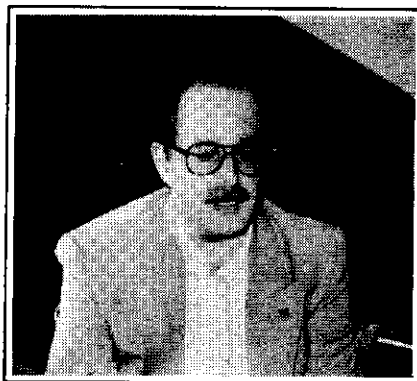
بعد از شبکه عضویت، دومین شبکه، شبکه آموزشی است که به دو صورت غیرحضور و حضوری در دوره‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت است.

بعد از دوره آموزشی، سومین شبکه، شبکه سازماندهی و گروه‌بندی است. اعضای این شبکه را راهنمایان محلی تشکیل می‌دهند. به بیان دیگر اعضای کاج در شبکه‌های محلی در سراسر کشور و در موطن خود جاذبه‌های بومی را شناسایی می‌کنند و برای معرفی این جاذبه‌ها و راهنمایی مسافران و جهانگردان، یونینفورم‌هایی را به تن دارند که حتی رفتارشان در این یونینفورم تعریف می‌شود، زیرا عالی‌ترین نشان کاج که نشانه اخلاق و رفتار جهانگردی است بر سینه آنها نصب شده است. از دیگر شبکه‌ها شبکه تحقیق و توسعه زمینه‌های جدید و بازارهای اتفاقی و پایدار را برای آن برنامه‌ریزی می‌کند.

شبکه بازرگانی کاج درجهت شناسایی بازارهای مرتبط با بخش گردشگری و توریسم به ارائه خدمات و خرید خدمات خواهد پرداخت.

راهنمایان ما در گروه‌های مختلف فعالیت می‌کنند. کاجهای یاور، کاج‌هایی هستند که مسئولیت تورگردانی سالمندان کم‌توانان و ناتوانان و ایتم را برعهده دارند و به این ترتیب ثابت می‌کنند که سیروس فقط خاص افراد سالم و ثروتمندان نیست.

گروه‌های بعدی گروه کاجهای امداد، کاجهای راهنمای جهانگردی، کاجهای توریسم



بهد کند چند اتفاق باید صورت گیرد: یکی تاسیس، تجهیز و توسعه زیرساختهای جامعه مانند ایجاد و توسعه راهها، حمل‌ونقل و مراکز اقامتی و پذیرایی و... است.

دومین مساله توسعه صنعت گردشگری بازنشاسی، معرفی و تقویت جاذبه‌های جهانگردی اعم از جاذبه‌های طبیعی، فرهنگی و تاریخی است.

محور دیگر برنامه ملی ما توجه به برنامه‌ریزی توسعه منابع انسانی و آموزش نیروهای صف و ستاد در بخش جهانگردی است. تاکنون حدود هشتصد شغل از سطح مدیران ارشد و اجرایی جامعه تا سطوح نیروهای صف از جمله نگهبانان و رانندگان و... در بخش جهانگردی شناسایی شده‌اند.

محور دیگر بازاریابی و تبلیغات است که برنامه‌ریزی برای آن شروع شده است.

محور بعدی که اصلی‌ترین محور است جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، اشتغال‌زایی و ارتقای سطح درآمد ملی است. که برای اینکه سفری اتفاق بیفتد اختصاص بودجه‌ای از درآمد خانواده‌ها برای چگونگی گذران اوقات فراغت مطرح است.

تشکیل کانون ایرانگردان و جهانگردان جوان (کاج) طرحی است برای پاسخگویی به نیاز جوانها درجهت تشکیل‌گرایی، گروه‌گرایی و نهاده‌ی نه کردن حضور آنها در عرصه این صنعت و پیوند آنها با ریشه‌های عمیق فرهنگی سرزمین ایران. به این ترتیب در این طرح کلیه جوانهای ما در سراسر کشور در طیف بسیار وسیعی، به عضویت این کانون درمی‌آیند و با یک سلسله آموزش از راه دور به یک سری قابلیت‌ها دست می‌یابند. اعتقاد ما بر این است که هر اندازه شناخت و آگاهی افراد بالا رود به همان اندازه تعصب نسبت به حفظ و نگهداری و بازنشاسی و معرفی جاذبه‌های سرزمین ما بیشتر می‌شود. این

قطبی:

صنعت ترمافزار، هم یک فن آوری کاربر است و نیاز به سرمایه به‌طور نسبی در آن کم است و هم دارای نرخ رشد بالایی است.

سرمایه‌گذاری‌های ما آن قدر سنگین است که متقاضی نیست. ارزیابی ما این است که واگذارها برای ایجاد اشتغال حداقل در کوتاه‌مدت اثر منفی در جامعه دارد.

اسکاش: در بخش دوم بحث سعی می‌کنم راهکارها را عرض کنم. سازمان ایرانگردی و جهانگردی به عنوان یک سازمان اجتماعی که مجری فرهنگ گردشگری است برنامه خود را در راستای سیاستهای کلان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور برنامه‌ریزی کرده است. برای اینکه به بحث راهکارها و بخصوص به بحث کاج به عنوان یک راهکار عملی و الگوی مشارکت و نهادینه کردن حضور جوانان در عرصه فعالیت‌های صنعت گردشگری برسیم من ابتدا چند محور از سیاستهای کلان اقتصادی را که حذف صادرات تک‌محصولی، کاهش حجم تصدی دولت و خصوصی‌سازی، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، اشتغال‌زایی و ارتقای سطح درآمد ملی است عرض می‌کنم.

راهکارها (بر پایه طرح کاج)

سازمان ایرانگردی و جهانگردی، برنامه ملی توسعه صنعت گردشگری خود را که با سازمان ملل متحد امضا شد با استفاده از کارشناسان ملی و بین‌المللی جهانی سرلوحه فعالیت خود قرار داده است.

این سازمان برای اجرای برنامه‌ها، ابتدا در یک تحول اداری و تغییر ساختاری، کلیه مشاغل اجرایی و تصدی‌گری را حذف کرد، به طوری که کل مجموعه سازمان ایرانگردی و جهانگردی شاید بیشتر از دوپست نفر نیروی کیفی و کارشناسی نداشته باشد. سازمان در این راستا تمام مشاغل را به بخش خصوصی و بویژه تعاونی‌های زنجیره‌ای و کوچک واگذار خواهد کرد. برای اینکه مهمان وارد منزل شود و منزل را



سایمی:

برای حل مشکل بیکاری در کنار برنامه‌های کلان مملکت باید از طریق اقتصاد خرد، اقدام به ایجاد شرکتهای کوچک و خوداشتغالی کرد.

بازدید از ایران ضمن آشناسدن با طرح کاج آن را یک الگوی بدیع مشارکت خواند و گفت؛ طرح کاج تنها الگوی مشارکت جوانان و قابل تسری در تمام کشورهاست.

هدف ما از این طرح ابتدا نه به شکل مادی و انتفاعی، بلکه به صورت ایجاد روحیه مشارکت و سپس کارورزی و بعد احراز شرایط برای دادن تصدی به جوانهاست. به این طریق می‌توان جوانان را همواره در توسعه پایدار انسانی و اشتغال پویا قرار داد.

آذرهوش: دوستان به مسایلی نظیر تفکر سیستمی، تفکر بلندمدت، تفکر برنامه‌ای و توجه به نیروی انسانی اشاره کردند که به نظر من هم خیلی ارزشمند است. درمورد فرمایشات دکتر شرکا باید عرض کنم که در برنامه‌های کلان اقتصادی مانند طرح ساماندهی اقتصادی معمولاً رتوبس حرکات کلی تعیین می‌شود. برنامه‌ریزان ما مثلاً درمورد صنعت گردشگری سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را درجهت ایجاد اشتغال در آن بخش ترغیب می‌کنند، اما به جزئیات نمی‌پردازند. جزئیات مسئله یعنی کسب فرصتهای کارآفرینی ناشی از سیاست ترغیب جهانگردی به‌عهد کارآفرینان است که در بخش خصوصی فعالیت می‌کنند. کارآفرینی یعنی استفاده از فرصتهای خاص ایجاد کسب‌وکار مقوله‌ای نیست که برنامه‌ریزان کلان به آن بپردازند. بنابراین هیچ اشکالی ندارد که در کنار برنامه‌ریزی کلان، تفکر کارآفرینی هم وجود داشته باشد. درهرحال اگر مساله اشتغال به بحران هم رسیده باشد، بحران را نباید محدود کرد. من فکر می‌کنم بخش عمده مشکل ما در مسایلی نظیر اشتغال و کارآفرینی، مشکل الگوهای ذهنی ما است.

جاذبه‌ها در موطن خودشان است دست می‌یابد. شبکه بعدی، شبکه ارتباطات و مشارکت است که با نهادهای حقیقی و حقوقی و سازمانهای دولتی و دانشجویان و دانش‌آموزان و ارتباطات بین‌المللی انجام می‌گیرد.

شبکه‌های بعدی ما شبکه اشتغال و شبکه ایده‌یابی است. در شبکه اشتغال یک سلسله مشاغل را در بخش جهانگردی شناسایی می‌کنیم و تقاضا به وجود می‌آوریم و در بخش دیگر جوانان ما که جوایب شغل هستند و قابلیت‌هایی را دارند این دو به هم معرفی می‌شوند و از قابلیت‌ها استفاده می‌کنند. شبکه ایده‌یابی تحول بزرگی در مازندران ایجاد کرده است به طوری که جوانها از طریق انواع اقدامات هنری و سینمایی، ساحل شب را فعال کرده‌اند. تهیه زیباترین فانوسهای دریایی، ساختن کالسه‌های کاج و نیز توجه به کلنی‌های اشتغال و صنایع دستی در روستاهای استانهای مازندران و گلستان از مواردی است که جوانها را به صحنه آورده است و همه اینها خود یک نوع اشتغال است.

آخرین شبکه، شبکه سرمایه‌گذاری است که به صورت دولتی، تعاونی و خصوصی قابل انجام است. این شبکه هم در دست برنامه‌ریزی است و منتظر هستیم محورهای آن شفاف و روشن شود. با وزارت تعاون مذاکراتی انجام دادیم تا با کمک این وزارتخانه و در قالب تشکلهای و تعاونی‌ها بتوانیم اشتغال جوانان را به صورت پایدار نگهداریم. روابط عمومی کانون کاج تاکنون اجرای مراسم گوناگونی را با هماهنگی و سازماندهی اعضای این کانون به مناسبت‌های مختلف عهده‌دار بوده است که از جمله تشکیل گروه تشریفات، پذیرایی، اقامتی، سمیناری و گروه هنری کاج در قالب گروه موسیقی و سرود و گروه هنرهای تجسمی و سمعی و بصری است. نماینده سازمان بین‌المللی جهانگردی هنگام

علمی - صنعتی و کاجهای راهنمایان مسیر راه ابریشم و کاجهای توریسم فرهنگی و هنری هستند که مسئولیت معرفی جاذبه‌های خود را دارند.

از دیگر گروهها کاجهای نور هستند که دوستان خود را به دیدار جبهه‌های دفاع مقدس می‌برند در ایام عید نوروز امسال حدود ۱۸۰۰ نفر در قالب کاروانهای نور به قسمتهای جنوب و غرب کشورمان اعزام شدند که اثرات بسیار مثبتی داشت. توریسم شهری و روستایی، توریسم ورزشی و توجه به طبیعت‌گردی از دیگر مواردی است که برنامه‌ریزی درمورد آنها انجام شده است. این راهنمایان محلی در شبکه‌های محلی شکل می‌گیرند و در مراکزی به نام ارائه خدمات و اطلاعات جهانگردی از مسافران استقبال می‌کنند. به‌عنوان مثال ایانه را کاجهای ایبانه معرفی خواهند کرد و در همان پایگاه خودشان به ارائه خدمات اطلاعات جهانگردی خواهند پرداخت و حتی به تقاضاهای تحقیقاتی جواب خواهند داد.

گروه بعدی در شبکه سازماندهی، گروه مهمان‌داران ما هستند. در راستای همین طرح درحال حاضر حدود ۴۰۰ نفر از کاجهای ما پس از آموزشهای لازم، در ۷۰ کیلومتر نوار ساحلی مازندران مشغول ارائه خدمت به مسافران و گردشگران هستند و این امر اثرات مثبتی داشته است. مرحله بعدی اکوتوریسم (طبیعت‌گردی) است که در استان مازندران درحال برنامه‌ریزی است. به دعوت شرکت قطارهای راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران (رجاء) مشغول برنامه‌ریزی آموزشی و سازماندهی مهمانداران قطارهای راه‌آهن هستیم تا از نیروهای جوان

برای مهمانداری قطارها استفاده شود.

شبکه بعدی، شبکه ارشدیت و مدیریت کیفیت است. ما جوانهایمان را که از راه دور به عضویت می‌رسند لاجرم باید تحت پوشش ارشدیت و مدیریت کیفیت قرار دهیم که از نظر کیفی خدمات آنها دچار مشکل نشود، کلیه دانشجویان و دانشگاهیان و فارغ‌التحصیلان رشته‌های جهانگردی ما ارشدهای کاجهای درجه ۲ ما هستند، متخصصان کاجهای درجه ۱ ارشدهای ملی محسوب می‌شوند که اساتید فن هستند. دانشجویان و فارغ‌التحصیلان جوان هر استان ارشد همان استان است و به این ترتیب سازمان ایرانگردی و جهانگردی به اصلی‌ترین هدف خود که مشارکت جوانان در معرفی

دستاوردهای تفکر خلاق

مشکل نحوه برخورد با مساله است. در جریان کار با دانشجویان در کارگاههای مهارت مدیریت به این نتیجه رسیدم که یکی از خلاصه‌ها در کشور کمبود تفکر خلاق است. به عنوان مثال در مورد این مساله که آیا فرصتهای نهفته‌ای برای اشتغال وجود دارد یا خیر در تمرین کوچکی با یک گروه نیکوکاری مشارکت داشتم.

۳ جلسه سه ساعتی با ۱۱ نفر برگزار کردیم که بخشی از دستاوردهای این جلسات را به عنوان نمونه مطرح خواهم کرد. من اعتقاد ندارم که مسئله بیکاری را تنها سازمان برنامه و بودجه باید حل کند. هزاران فکر انتفاعی دنبال این قضیه است که چه فرصتهای کسب و کار در جامعه وجود دارد. همین الان عده زیادی برای کسب و کار نقشه می‌ریزند. ما باید در بین فارغ‌التحصیلان دانشگاهها رغبت ایجاد کنیم که به تفکر خلاق بپردازند. یکی از فکراهی که در آن جلسات مطرح شد پژوهش در جهت چگونگی ارتقای سطح تکنولوژی ساختمان و حذف شغل کارگر غیرماهر از این صنعت است. اگر یک میلیون کارگر افغانی که می‌گویند در صنعت ساختمان در کشور به کار مشغولند کشور را ترک کنند چند جوان دیپلمه حاضرند که جایگزین آنان شوند، کسی حاضر نمی‌شود، زیرا مانع فرهنگی وجود دارد. آنها این کار را در شأن خود نمی‌بینند. مساله دیگر این است که جوان ایرانی فکر می‌کند این کار عاقبت ندارد. باید این دو مانع را برطرف کرد. باید دانشکده‌های ساختمان درصدی از مشاغل موجود در این صنعت را از حالت کارگری غیرماهر به تکنیسین تغییر دهند. اگر این کار را انجام دهیم می‌توانیم تعداد زیادی از جوانهای بیکار را با حداقل ماهی حداقل ۵۰ هزار تومان یعنی حقوق فعلی یک کارگر جذب کنیم. این مساله احتمالاً می‌تواند راهگشای ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار شغل برای جوانان در ظرف چند سال آینده باشد.

برخی دیگر از دستاوردهای آن جلسات عبارتند از: پژوهش در جهت امکان تفکیک طرحهای بزرگ به فعالیتهای تولیدی کوچک خانگی به طوری که بتوانیم کار نیمه‌وقت ایجاد کنیم.

مسئله دیگر بررسی امکان منع کار کودکان بود، ظاهراً حداقل ۲۰۰ هزار کودکی که باید به مدرسه بروند کار می‌کنند. اگر قرار است به بیکاران پولی پرداخت کنیم شاید بهتر باشد که آن

پول را صرف این کودکان کنیم که به مدرسه بروند.

ایجاد مراکز نوسازی و بازسازی صنایع کوچک برای واگذاری به فارغ‌التحصیلان یا کمک به خریداری صنایع کوچک در حال ورشکستگی توسط کارآفرینان، تاسیس مراکز آموزش کارآفرینی و کانونهای آموزش روش زندگی در شرایط دشوار اقتصادی مانند آموزش دید مثبت و چاره‌جویانه، دوری از تفکر منفی، پشتکار و خلاقیت برای رفع موانع موجود، برنامه‌ریزی برای کارهای پاره وقت، و کسب مهارتهای لازم از جمله افکار دیگری بود که در این جلسات ابراز شد.

ما ناچار هستیم تمام خلاقیتهای نهفته در کانونهای جوانان، دانشگاهها، مراکز اجرایی و مراکز کسب و کار یعنی بنگاههای اقتصادی را جمع کرده و فکر ایجاد کنیم. همین زمینه‌ها می‌تواند محرک فکری برای جویندگان کار یا کارآفرینان باشد. آموزشهای علمی - کاربردی افرادی که مستعد کارآفرینی هستند، آموزش تکنیسین چند پیشه برای روستاها، آموزش تکنیسین تعمیر اتومبیل، آموزش صنایع دستی با تاکید بر طرحهای جدید، خدمات پژوهش و



آذرهوش:

واژه کارآفرینی بیشتر به فرایند ایجاد کسب و کاری که خلافت و خطر خیز است اطلاق می‌شود.

پژوهش در جهت چگونگی ارتقای سطح تکنولوژی ساختمان و حذف شغل کارگر غیرماهر از این صنعت می‌تواند راهگشای ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار شغل برای جوانان در ظرف چند سال آینده باشد.

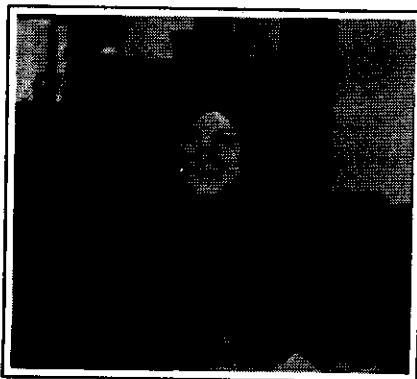
مشاوره مانند تاسیس مراکز خصوصی خدمات برنامه‌ریزی از قبیل برنامه‌ریزی برای استفاده بهینه از تسهیلات و شهرکهای صنعتی، تاسیس مراکز خدمات کمک پژوهشی مانند تامین دستیار پژوهشی، دستیار اطلاع‌رسانی از جمله افکار جالب دیگر، در تمرین فوق بود.

اگر در حال حاضر دانشگاههای کشور حدود ۲۰ هزار عضو هیات علمی داشته باشد و اگر فرض کنیم برای هر پنج استاد به یک دستیار پژوهشی اطلاع‌رسانی نیاز باشد می‌توان با آموزش کسوتاه مدت ۴۰۰۰ شغل برای فارغ‌التحصیلان ایجاد کرد. تاسیس مراکز مشاوره تلفنی برای صنایع کوچک با حق اشتراک، تاسیس مراکز خصوصی کاریابی برای معلولان، تاسیس مراکز مستندسازی مراحل اجرا و طرحهای عمرانی یا ساختمانهای بزرگ، تاسیس موسسات تلخیص کتب علمی از مثالهای دیگر است. کتابهایی که در دنیا منتشر می‌شود به طرز سرسام‌آوری زیاد شده است. در کشورهای خارج یک مدیر ممکن است هر ماه ۵ کتاب بخواند، ولی ۵ کتاب ۱۱ صفحه‌ای نه ۵۰۰ صفحه‌ای. این از برکت وجود موسساتی است که کتابها را خلاصه می‌کنند. تاسیس موسسات تهیه کتب

اسکاش:

سازمان ایرانگردی و جهانگردی در یک تغییر ساختاری، تمام مشاغل را به بخش خصوصی و بویژه تعاونیهای زنجیره‌ای و کوچک واگذار خواهد کرد.

تشکیل کانون ایرانگردان و جهانگردان جوان (کاج) طرحی است برای پاسخگویی به نیازهای جوانها در جهت تشکل‌گرایی، گروه‌گرایی و نهادینه کردن حضور آنها در صنعت ایرانگردی و جهانگردی.



امتحانات دانشگاه علمی کاربردی شرکت کرده و مدارجی هم به دست آوردند و با منزلت بخشیدن به فعالیتهای کارگاهی جوانهای ما می‌توانند جای هزاران خارجی (افغانی) را که تصدی مشاغل کارگاهی را دارند بگیرند و بعد به راه‌اندازی تعاونی‌های کوچک و توسعه آنها کمک کنیم.

سلیمی: ضمن تایید فرمایشات آقای دکتر آذروش باید بگویم در مقایسه با کشورهای مختلف ما هنوز بحران بیکاری نداریم. بخشی از بیکاری در کشور با مجموعه عوامل غیرمالی قابل حل است. ما در زمینه اشتغال نیروی کار ساده مشکل نداریم، مشکل ما ترکیب جمعیت بیکار در آینده است. در سال ۷۵، حدود ۵۸ هزار نفر فارغ‌التحصیل بیکار در کشور وجود داشت و امروز با ورود جمعیت زیاد فارغ‌التحصیلان بیکار به جامعه مساله اشتغال آنها مطرح است. وزارت کار حدود ۳۰۰ مرکز آموزشی اشتغال برای مهیا کردن افراد خصوصاً در مناطق روستایی ایجاد کرده است. در حدود ۲۰۰ مرکز سیار آموزشی فنی و حرفه‌ای در سراسر کشور داریم که نیروی مورد نیاز کارگاههای تولیدی صنعتی را آموزش می‌دهند. در کنار آنها مراکزی به نام مجتمع‌های آموزشی اشتغال ایجاد کردیم که افراد را برای حرفه‌های کارآفرینی آماده می‌کند.

ما به دنبال این هستیم که اشتغال‌های مولد پایدار را که حداقل، تامین‌کننده هزینه‌های زندگی افراد باشد فراهم کنیم. شرکتهای کوچک خدماتی و واحدهای خوداشتغالی یکی از عوامل موثر در ایجاد تعادل اشتغال منطقه‌ای است. با ایجاد این‌گونه طرحها می‌توانیم زمینه اشتغال افراد را در مناطق با شناخت برتری‌های تولید منطقه و در جهت توازن و تعادل بازار مناطق ایجاد کنیم. سرانه اشتغال در این کارگاهها کم است و عمدتاً وابستگی به ارز و مولد خارجی ندارند. علاوه بر این انعطاف‌پذیری در کارگاههای کوچک زیاد است و این کارگاهها این آمادگی را دارند که به محض برخورد با مشکل آن را رفع کنند. در کنار بیکاری، مشکل دیگر ساختار شاغلان ماست. عده‌ای از شاغلان ما زیر سن قانونی کار قرار دارند. همچنین حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از شاغلان ما بالای ۶۰ سال هستند که سن کار نیست و به علت شرایط تومی وارد بازار کار شده‌اند. اگر بتوان به نوعی امکانات کمکی از نظر مالی برای این افراد فراهم کرد تعدادی از فرصتهای شغلی آزاد می‌شود.

دیدن این موقعیتها را برای عده زیادتری ایجاد کنیم.

یکی از کارهای مهمی که دولت می‌تواند انجام دهد دادن بودجه چنین میزگردهایی است. ما در سازمان مدیریت صنعتی پس از ۳۵ سال تجزیه به این نتیجه رسیدیم که به مشتری نگوییم کار تو پیچیده است و باید یک برنامه دوساله برای شناخت مشکلات کلان تهیه کنید. می‌گوییم آن لازم است، ولی در کوتاه‌مدت هم به تو کمک خواهیم کرد. این برخورد معقول است. ما حتی در کوتاه‌مدت هم می‌توانیم به دولت کمک کنیم و وظیفه شهروندی این چنین ایجاب می‌کند.

اسکاش: پیشنهاد من این است که به ساختمانهای بزرگ نام کارگاه بدهیم. سپس از افراد دیپلم که تعداد آنها هم زیاد است ثبت نام کرده و به‌عنوان کاردانش آنها را به داخل این کارگاهها بفرستیم تا مراحل مختلف ساختمان‌سازی، جاده‌سازی و پل‌سازی و سدسازی را طی کنند. بعد از مدتی که کاربردها را یاد گرفتند از لحاظ علمی هم می‌توانند دوره‌های کوتاه‌مدت را گذرانده و با تئوری‌ها و نظریه‌ها آشنا شوند. حتی این افراد می‌توانند بعداً در

شوک:

بخش خدمات می‌تواند بخصوص در شرایطی مانند شرایط کشور ما که با مساله بیکاری روبرو هستیم به اشتغال کمک کند.

موسسات کوچکتر نه تنها میزان خطرپذیری آنها کمتر است، بلکه اشتغال آفرینی بالایی

فیز دارند.



صوتی، موسسات تالیف کتب ساده علمی، کتابفروشیهای سیار و موسسات تامین موقت نیروی انسانی ماهر.

در هلند بالغ بر ۳۰۰ هزار نفر یعنی حدود ۴/۶ درصد از نیروی کار را نیروی قابل انعطاف تشکیل می‌دهد. موسساتی هستند که افراد ماهر را در استخدام خود دارند و سازمانهای نیازمند خدمات موقت برای رفع احتیاجات فوری مثلاً برای ۶ ماه از خدمات این موسسات استفاده می‌کنند. این عمل به موسسات کوچک این امکان را می‌دهد که برای توسعه خودنگرانی نداشته باشند. زیرا اگر برنامه توسعه انجام نشد لازم نیست کسی را اخراج کنند.

این نوع اقدامات و فرصتها برای ایجاد اشتغال یقیناً زیادتر از این است. برخورد ما با مساله نیاز به قبول این اندیشه دارد که علاوه بر فکرای اقتصادی، سیاسی و مدیریتی که باید با هم جمع شوند تا چشم‌انداز کلان را تعیین کند، افکار خلاقه‌ای نیز باید به مساله ایجاد شغل در زمینه‌های خاص پیورده، یعنی پیدا کردن راه برای کارآفرینی نیز لازم است. یکی از ویژگیهای عمده کارآفرینان این است که آنها می‌توانند موقعیتها را ببینند. ما به وسیله این بحثها می‌توانیم زمینه



انصاری:

اگر دولت به جای حمایت از بنگاههای دولتی به حمایت بخش خصوصی پیورده، اشتغال هم ایجاد خواهد شد.

من اعتقاد ندارم که با گسترش واحدهای کوچک می‌توانیم مساله اشتغال را حل کنیم. واحدهای کوچک در پرتو واحدهای بزرگ می‌توانند حیات داشته باشند و به‌طور طبیعی رشد کنند.

قطبی: مسایلی که مطرح شد از دو دیدگاه قابل طرح است: یکی دیدگاهی که آقای دکتر آذرهوش به عنوان یک یورش فکری مطرح کردند که فکر نمی‌کنم هدف دعوت از ما که از صنعت‌های مختلف هستیم، یورش فکری باشد. هدف این است که اگر ما فرصتهایی را می‌شناسیم که منابع ارست می‌رود و می‌تواند اشتغال بیشتری را ایجاد کند باید بدنبال آنها بود. روی همین جهت من به حرف اولم بازمی‌گردم. براساس آماری که در «بیزینس ویک» دیدم در سال ۱۹۹۶ در آمریکا سالانه در صنعت خودروسازی حدود ۹۰۰ هزار نفر و در صنعت نرم‌افزاری یک میلیون و ۹۰۰ هزار نفر کار می‌کردند. حال توجه بفرمائید که برای ایجاد اشتغال برای ۹۰۰ هزار نفر در صنعت خودروسازی چه سرمایه‌گذاری عظیمی لازم است و برای اشتغال یک میلیون و ۹۰۰ هزار نفر در صنعت نرم‌افزار چقدر؟ این موضوع در مورد کشور خود ما کاملاً صادق است.

در حال حاضر سرمایه‌گذاری بسیار عظیمی در صنعت خودروسازی در کشور می‌شود که میزان اشتغال در آن قابل مقایسه با صنعت نرم‌افزار نیست. من به‌طور جدی معتقدم که اگر به نرم‌افزار به‌هنوان یک دید درست نگاه شود، نه تنها هزینه زیادی را برای سرمایه‌گذاری نمی‌برد بلکه می‌تواند مشاغل آموزشی بسیاری را ایجاد کند. صنعت نرم‌افزاری هم خودش با سرمایه‌گذاری‌های اندک بخش خصوصی می‌تواند اشتغال بسیار زیادی را ایجاد کند و هم اینکه در درازمدت در مسیر توسعه‌ای قرار دارد که جهان دنبال می‌کند.

بسیاری از نکات که به‌عنوان یورش فکری مطرح شد در جای خود بسیار خوب است. ممکن است راه‌حل بحران مقطعی باشد، ولی به نظر من توجه به این موضوع هم راه‌حل بحران مقطعی است و هم نگاه به آینده. اعتقاد دارم باید با استفاده از این تریبون‌ها واقعیتها را بیان کرد.

انصاری: براساس آمار ۱۵ درصد اشتغال کشور به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در صنعت ساختمان قرار دارد. از این رقم ۱۱ درصد به‌طور مستقیم در بخش ساختمان و ۴ درصد هم در صنایع وابسته به ساختمان اشتغال دارند. هرکدام از مثالهایی که آقای دکتر آذرهوش فرمودند به جای خودش جای مطالعه، بررسی و سازماندهی دارد. هیچ عملی نمی‌تواند لحظه‌ای و ناگهانی موفق باشد و حتماً بایستی در ارتباط با سایر

عوامل مجموعه دیده شود. دولت جایگاه مشوق و محرک بهره‌وری نیروی انسانی و استفاده از نقدینگی عظیم موجود در جامعه را دارد. البته منظور از جایگاه این نیست که دولت خود مستقیماً سرمایه‌گذاری کند و در اجرا مداخله داشته باشد. دولت گاهی تدابیری اتخاذ می‌کند و امتیازات ویژه‌ای در اختیار برخی از بخشهای خود یا شهرداری‌ها قرار می‌دهد مانند فروش اوراق مشارکت به مردم با سود ۲۰ درصد. از طرف دیگر، بخش خصوصی از ایجاد بانک محروم است. اگر دولت امکان فروش اوراق مشارکت برای بخش خصوصی را فراهم کند و به نوعی بسترسازی کند قطعاً اشتغال ایجاد می‌شود.

درمورد صحبت آقای دکتر آذرهوش درباره تغییر کیفیت نیروی کار در صنعت ساختمان باید عرض کنم این مساله به صنعتی شدن ساختمان و استاندارد شدن آن بستگی دارد که در خیلی از کشورهای دیگر نیز اتفاق افتاده است. در این صورت ترکیب نیروی کار عوض شده و مهارتها ساده‌تر خواهد شد. برای مثال در سیستم صنعتی نصب، افراد غیرماهر در حد دیپلم با آموزش دو ماهه، مهارت لازم را برای نصب پیدا می‌کنند



سلیمی:

شرکتهای کوچک خدماتی و واحدهای خوداشتغالی یکی از عوامل موثر در ایجاد تعادل اشتغال منطقه‌ای است.

وزارت کار و امور اجتماعی حدود ۳۰۰ مرکز آموزشی اشتغال برای مهیا کردن افراد خصوصاً در مناطق روستایی ایجاد کرده است.

و شاغل می‌شوند. در حال حاضر در صنعت ساختمان، یک سری مهارتهای بیجا وجود دارد. برای مثال برق کار ما باید خیلی ماهر باشد زیرا هر بار به ابتکار جدیدی نیاز دارد. اما در حالت صنعتی شدن ساختمان، فکر و ابتکار فوق‌العاده ضرورت ندارد زیرا تفکر صنعتی به صورت تکنولوژی در کار ظاهر شده و در نهایت، مشکل با یک آموزش دو ماهه حل می‌شود.

متأسفانه فقط ۳ درصد کل ساخت‌وساز کشور به روشهای صنعتی است و طبیعی است اگر به این مسایل توجه شود ترکیب نیروی کار عوض خواهد شد و احتیاجی هم به عوض کردن اسم ساختمان به کارگاه نخواهد بود. علاوه بر این در حالت صنعتی شدن ساختمان، نه تنها ۲۰ تا ۲۵ درصد هزینه ساختمان ارزانتر تمام خواهد شد، بلکه این صنعت متکی بر منابع داخلی حرکت خواهد کرد.

ضمناً من اعتقاد ندارم که با گسترش واحدهای کوچک می‌توانیم مسئله اشتغال را حل کنیم. برعکس در زنجیره تولیدمان جای واحدهای بزرگ خالی است. واحدهای کوچک در پرتو واحدهای بزرگ می‌توانند حیات داشته باشند و به‌طور طبیعی رشد کنند. اگر تاکید روی

مجاایی:

انتظار ما از مراکز علمی و دانشگاهها این است که به صورت علمی به مساله اشتغال بپردازند، به طوری که در طول برنامه سوم یک میز دائمی اشتغال داشته باشیم.

برای کارآفرینی باید نظام آموزشی ما به سمتی حرکت کند که نیروهای باشاهامت و شجاعت در تصمیم‌گیری پرورش دهد.



که فقط به دولت کارها را احاله دهیم. اگر بخواهیم تصدی دولت کم شود باید کمک کرد تا حجم کارهای دولت هم کم شود.

اقدامات دولت

به اعتقاد من مهمترین اقداماتی که دولت می‌تواند در مورد کارآفرینی و اشتغال انجام دهد این موارد است: تولید اطلاعات در مورد فرصتها، ترویج فرهنگ کارآفرینی، بازسازی فرهنگ کار، و توانمندسازی نیروی کار. در حال حاضر به طور متوسط سالانه حدود ۱۲۰ هزار فارغ‌التحصیل دانشگاه در کشور وجود دارد که رشته تحصیلی بیشتر آنها علوم انسانی است. این عده را می‌توان با یک سری آموزشهای تخصصی کوتاه‌مدت نوعی تخصص برایشان ایجاد کرد. دولت می‌تواند و باید برای کمک به جویندگان کار زیرساختهای جدیدی که امروزه اقتصاد به آنها نیاز دارد مانند شبکه‌های قوی ارتباطی، ایجاد کند. دولتهایی مانند فنلاند و نروژ این‌گونه زیرساختها را با ایجاد پایگاههای اطلاعاتی در اقصی نقاط کشورشان ایجاد کرده‌اند. به همین جهت یک فرد روستایی می‌تواند به راحتی بدون آشنایی با تکنولوژی ارتباطات و فقط به کمک یک نفر از طریق این نوع تکنولوژی با دنیا ارتباط برقرار کند. ایجاد این‌گونه زیرساختهای اطلاعاتی حداقل در بدو امر به عهده دولت است. موضوع دیگر رفع موانع قانونی است. برای مثال اخیراً وزارت کار به ۲۰۰۰ نفر فارغ‌التحصیل دانشگاه اجازه تاسیس آموزشگاه آزاد داده است. اگر این کار انجام شدنی است می‌باید زودتر انجام می‌شد موضوع دیگر حفظ حقوق نوآوران است که یکی از موانع ترقی و پیشرفت در کشور ماست. افراد، ابتکار یکدیگر را تقلید می‌کنند و این منحل نوآوری و کارآفرینی است. دولت باید در جهت حمایت از حقوق مبتکران چاره‌اندیشی جدی‌تری کند. ایجاد بازار سرمایه برای کارآفرینان و سرانجام مساعدت‌های مالی نیز از دیگر اقداماتی است که دولت می‌تواند در زمینه فعال کردن فرصتهای نهفته کارآفرینی و تقویت اشتغال انجام دهد.

من امیدوارم پس از چاپ و انتشار گفتگوهای این میزگرد، افراد موافق و مخالف نظرات خود را ابراز دارند. مزید بر آن میزگرد دیگری برای دنبال کردن بحثها تشکیل شود. تدبیر: باسپاس از شرکت تمامی عزیزان امید است چنین نشست‌هایی در راه شناخت تنگناها و ایجاد راههای توسعه، موثر واقع شود. □

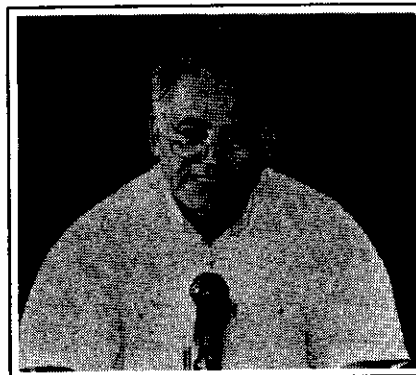
کوتاه‌مدتی داریم و باید دنبال راه‌حل باشیم. این کار مانع پرداختن به مسایل کلان نمی‌شود. اما اینکه چه کسی باید این کار را انجام دهد مساله بسیار مهمی است. گویا ما یک حلقه مفقوده در کشورمان داریم که هر وقت این سوال می‌شود می‌گویند چه کسی این کار را انجام دهد؟ در حال چنین پتانسیل‌هایی وجود دارد و این کارها را می‌توان انجام داد.

نقش سازمانهای غیردولتی

سوال بعدی این است که چه کاری را باید دولت و چه کاری را باید بخش خصوصی انجام دهد؟ نکته مهم در اینجا نقش سازمانها و موسسات غیردولتی (N.G.O) مانند انجمن صنایع ساختمانی، انجمن مدیریت اجرایی ایران، انجمن مدیران صنایع ... است. به اعتقاد من بخشی از کارها را باید به دست موسسات مذکور سپرد. در کشورهای پیشرفته صنعتی انجمن‌های مختلف مانند آکادمی مدیریت در امریکا نقش خیلی مهمی در هدایت دولت برای سیاستگذاری‌های مدیریتی دارد. ما نباید فقط از سازمانهای دولتی انتظار انجام همه کارها را داشته باشیم، بلکه خارج از دولت هم مرکز تفکر وجود دارد که کمک کند. من مخالف این هستم

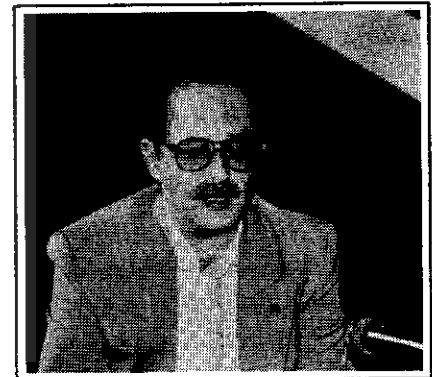
مجموع:

مشکل فقط عدم حمایت مالی دولت نیست. مهارتها و تخصص‌هایی هم باید در سازمانها وجود داشته باشد تا بنای سازمان را مستقر کند و بتوان از فرصتها استفاده کرد.



تولید خردشد در آن صورت فقط یک حالت شکننده ایجاد می‌شود و عقب‌ماندگی تکنولوژیک ایجاد می‌شود. در اوایل انقلاب، تعداد ۴۰ هزار تعاونی با همین طرز تفکر ایجاد شد. سوال این است که چه تعداد از این تعاونیها باقی ماندند و دوام آوردند؟ امروزه دیگر طرزتفکر خردکردن تولید اشکال اساسی دارد. این یک زنجیره است که جایگاه هرکدام باید به تناسب خودش تعریف شود. من فکر می‌کنم آنچه که جای آن خالی است و برایش خسارت می‌دهیم و اشتغال ما آسیب می‌بیند واحدهای بزرگ است نه کوچک.

آذرهوش: مفهوم فرمایش آقای انصاری گرایش به «تولید ناب» در شرکتهای بزرگ است که همان ترکیب شرکتهای بزرگ و کوچک است. برای مثال ایران‌خودرو از طریق سایکو بیش از پانصد شرکت کوچک قطعه‌سازی را که به صورت اقماری است به خدمت گرفته است. امروز بسیاری از سوپرمارکت‌ها و ساندویچ‌فروشی‌های کوچک در دنسبا به صورت زنجیره‌ای اداره می‌شوند، زیرا به تحقیقات پایه و استانداردکردن نیاز دارند که در صورت خرد بودن قادر به انجام آن نیستند. ولی به‌هرحال ما گرفتاری‌های



قطبی:

در مرحله مدیریت بهران دو کار بایستی انجام داد: حل معضلات فعلی و برنامه‌ریزی درازمدت برای آینده.

یکی از راههای تسریع رشد ایجاد اشتغال، حمایت از توسعه صنعت فرمازار است.